

پیشرفت نمیکند و هنوز جمعیت‌های بزرگی از بشر قرن بیستم اسیر خرافات هستند در همین قرن عده‌ای اعمال و حیسانه‌های مانند آتش زدن خود را یک جهاد مقدس مذهبی میدانند! عده‌ای هم که دنبال بهانه‌هایی برای مخالفت با حق مذهبی میگردند چنین کارهایی را از نقاط ضعف مذهب می‌شمرند.

اخیراً این نوع خودکشیها مخصوصاً در میان بوداییهای دیتنام رایج شده و چندی قبل بود که در خرابه خواندیم چند راهب بودایی بخاطر مسائل سیاسی ویتنام خود را بعنوان یک جهاد مذهبی آتش زدند!

ما ساحت ادیان آسمانی را از این نوع خرافات تفریس میکنیم، خودکشی بهر نوع و تحت هر عنوان که باشد از نظر مقررات آسمانی ممنوع و حرام است و جهاد مذهبی باید عملی مثبت و سازنده باشد نه اعمال وحشیانه‌ای مانند آتش زدن انسانها.

### بزرگترین نادانی!

علی علیه السلام می فرماید:

«تَكْبِرُكَ بِمَا لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَكَ مِنْ عَظْمِ الْجَهْلِ»

: تکبر کردن تو بجزئی که (بالاخره) برای تو باقی نمی-

ماند از بزرگترین جهالت و نادانیهاست.

غرر الحکم ص ۳۵۷

### انتشار مذهب شیعه در نقاط مختلف

\* حرکت موج تشیع

\* مناظرات خصوصی

\* تعصبهای ناروا!

\* \* \*

### حرکت موج تشیع:

با شیعه شدن من و برادرم و پخش این خبر در ممالک مختلف اسلامی، جمع کثیری از مسلمانان ممالک سوریه، لبنان، ترکیه و سایر بلاد اسلامی حضوراً یا توسط نامه‌های متعددی، علل شیعه شدن ما را سؤال میکردند و ما نیز در لامل شیعه شدن خود را می‌گفتیم و آنرا در پاسخ نامه‌ها می‌نگاشتیم.

لذا گروه کثیری از آنهایی که علاقه خاصی با اهل بیت عصمت در دل خود داشتند با پخش این خبر مهیج و تعجب آور و مطالبه‌مند و مددک مادر تغییر عقیده! مذهب اهل بیت را که شیعه‌انگی- عشری می‌باشد بر سایر مذاهب ترجیح داده، آنرا پذیرفتند.

و بدین ترتیب موج عظیمی بطرفداری از مذهب شیعه در این ممالک پدید آمد.

### مناظرات خصوصی

من و برادرم برای اینکه الحقیقتان داشته باشیم خود را گول نزده و در تغییر عقیده، راه صحیح و منطقی در پیش گرفته و بیراهه نرفته‌ایم، مناظرات خصوصی متعددی بین خودمان ترتیب می‌دادیم و هر کدام بتوبه‌نش مخالف را بازی می‌کردیم و با هم دیگر بگفتگو و مناظره می‌پرداختیم.

در این مناظرات من هر موقع که بتوانم یک فرد سنی در مقابل سؤالات و جوابهای دندان شکن برادرم که نقش یک فرد شیعی را بازی می‌کرد، قرار می‌گرفتم کاملاً در می‌یافتم که شیعه حق می‌گوید و ادعاهای آنان اکثرأ مطابق اخبار معتبر خود عامه است.

مثلاً موقعیکه برادرم بعنوان یک فرد شیعی از من سؤال میکرد: شما بچه دلیل مذهب حنفی را اختیار کرده‌ای؟ و دلیل شما در ترجیح آن بر سایر مذاهب عامه کدام است؟ یا دلیل روشنی از آیات قرآنی و احادیث نبوی بر حقانیت مذهبی که اختیار کرده‌ای داری؟ با اینکه خدای



تعالی در قرآن مجید میفرماید: **«وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ»**.

آیا این راهی که شادمان قدم برمی دارید و این دینی که شما پیرو آن هستید، همان صراط مستقیم است که قرآن مجید میفرماید؟

در صورتی که بموجب این آیه شریفه راه مستقیم و دین حق از میان این ادیان کثیر بیش از یکی نمیتواند باشد.

آیا حدیثی از پیغمبر اکرم وارد شده است که اختیار هر یک از این مذاهب و عمل بر طبق دستورات آنها را جایز می داند؟ در این جا من پاسخ قانع کننده ای نداشتم.

(ناگفته پیدا است که با وجود اختلاف مذاهب در اصول و فروع دینی، آنها اختلاف عمیقی که بین مذاهب عامه وجود دارد نمیتوان در کافی بودن بعضی از آنها استدلال با جماع نمود).  
دفعه دیگر من بعنوان یک فرد شیعی با برادر خود بمنظاره می پرداختم و در مقابل سوالات برادرم در کافی بودن عمل بدستورات مذهب شیعه و حق بودن آن شواهدی از آیات قرآن و سنت نبوی بیان میکردم، از جمله باین روایت معروف که سنی شیعه آنرا بحدتواتر ذکر کرده است استدلال میجست:

**«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي مَا أَن تَمْسُكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا مِنْ بَعْدِي أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَقْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ**

**تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»** یعنی: من در میان شما دو چیز گرانمایه، کتاب خدا و اهل بیت خودم را

بامانتمی گذارم و از دنیا میروم، اگر شما باین دو (در امور دنیا و آخرت خودتان) تمسک کنید، هرگز بعد از من گمراه نمی شوید و این را نیز بدانید که این دوازدهم جدا میشوند تا در بهشت بر من وارد شوند پس ببینید در پاره این دو امانت که بشما سپردم چگونه رفتار می کنید؟  
با وجود این روایت صحیح (و سایر روایات معتبری که در مقالات آینده بعضی از آنها را ذکر خواهیم کرد) آیا عقل اجازه میدهد که دچار تعصبات نابجا شده، پیروان دستورات ائمه اطهار و مهتر و معجبت آنرا خطاب بدانیم؟!

آری اینگونه روایات معتبر هستند که وجوب تبعیت از ائمه معصومین را ثابت میکند و همین روایات صحیح بودند که مراد شیعه مذهب تشیع کرد و یقین میدادند هر کس دیگری که تعصب را کنار بگذارد و بادیة عقل و منطق باین گونه روایات نظر کند، مثل من و برادرم حکم خواهد کرد که تشیع مذهب حق بوده و تبعیت از آن لازم است.

### تعصبات ناروا!

از آن موقع که ما تشریف خود را بمذهب شیعه آشکار کردیم و علناً اعلام نمودیم که ما باتکاء دلائل قطعی، مذهب شیعه را اختیار کرده ایم، با مخالفت یک عده از جوانان پر شور و در عین حال کم اطلاع مواجه شدیم. این جوانان که اطلاعات وسیعی از حقایق مذهب شیعه نداشتند و به مقتضای این گفتار پرارزش که: هر کس با آنچه میگوید با آنها جاهل است دشمن من باشد (المرء عدو ما جهل به) تهمت های ناروایی میزدند و افعال کودکانه و اعمال شرم آوری را مرتکب می شدند که من از شرح آنها حیا میکنم! حتی بالاتر از این بعضی ما را مرتد! و از دائره اسلام و مسلمین خارج دانستند! و از اینرو بجهما را تحریک می کردند که ما را آزار دهند و سنگ بسوی ما پرتاب کنند، حتی در منابر پمانسا زامی گفتند و بعضی از وعظ متعصب بجای بیان حقایق اسلامی در ضمن نصیحت و اندرز بر مردم و تنقید از ما، با آنها توصیه می کردند از **معامله و معاشرت با ما خودداری کنند زیرا تبعیت از مذهب شیعه را موجب ارتداد و گناهنا - بخشودنی می دانستند!** اینان گمان میکردند که این اعمال و رفتارهای ناجوانمردانه عقیده مرا نسبت بمذهب شیعه سست خواهد کرد ولی غافل از اینکه من و برادرم مذهب شیعه را از روی کمال علاقه و از روی دلیل و منطق محکم اختیار کرده ایم، این بادهای مخالف و جنب و جوش های کودکانه نمی تواند در عقیده خلل ناپذیر ما کوچکترین نفوذی کند.

و برای اینکه خوب بدانید که چه تلاشهای تعصب آمیزی برای مبارزه با ما و کوییدن ما انجام میدادند جریان ذیل را بشنوید:

جمعی از متعصبین «حلب» (که بزرگان و معتدلهای اصل تسنن نیز با آنها موافق نیستند) دو هم جمع شده مؤسسه ای بنام «جمعیة الدعوة المحمدیة الی الصراط المستقیم» ترتیب دادند و کتابی بنام این جمعیت انتشار داده و در این کتاب جمله هایی ذکر شده است که هدف اصلی این جمعیت را آشکار میسازد.

و در این کتاب چنین مینویسد: «چندی است که آثار تشیع در حلب و اطراف آن بروز کرده و در میان مردم مسلمان ایجاد اختلاف نموده است، ای مردم این را بدانید که شیعه گری مذهب خطرناکی است!، برای جلوگیری از این خطر باید با این عده از افراد که مذهب تشیع را اختیار کرده اند و آن مذهب را در این سامان رواج میدهند جدا مبارزه کرده!»

ولی شما ای خواننده عزیز بدانید که این گونه نوشته های مسموم و این نوع مبارزات نپخته و کودکانه، هیچ وجه قادر نیستند جلو انتشار این مذهب را بگیرند و قلم سرخ پرروی آن بکشند.

و همانطور که سابقاً هم گفتیم حتی بزرگان اهل تسنن که از اینگونه تعصبات ناروا خالی هستند (مانند شیخ محمود شلتوت مفتی انعام سابق اهل تسنن) عمل بمذهب شیعه را صحیح و کافی میدانند و مذهب اهل بیت را مذهب حق می شناسند.